

هدیّت از نگاه قرآن

استاد تاج آبادی

جلسه چهارم - ۱۱ فروردین ماه ۱۴۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادامه بررسی آیات ناظر به چگونگی پایان پذیری تاریخ و زندگی انسان

در جلسات قبل این بحث شروع شد که از نگاه قرآن کریم، آینده جهان و پایان جهان چگونه است. عرض شد آیات متعددی ناظر به پایان تاریخ و جهان انسانی است.

این که گفته می شود پایان تاریخ، مراد پایان تاریخ انسان موجود است و آلا بر اساس آیات و روایات بعد از آن که انسان موجود منقرض می شود و قیامت برپا می شود، جهان برپاست. دوباره خداوند خلق دارد، و ادامه دارد.

عرض شد که آیات را در سه دسته قرار دادیم. دسته نخست را بررسی کردیم و دسته دوم آیات را هم در جلسه قبل بررسی کردیم.

دسته سوم آیات؛ آیات ناظر به وراثت صالحان

در این جلسه به آخرین بخش از آن آیات می رسیم که آیات ناظر به وراثت صالحان است.

آیاتی در قرآن کریم داریم که دلالت دارد خداوند متعال در آخر، صالحان را (و به تعبیری متقین را) وارث زمین قرار می دهد، و در آخر الزمان، صلاح و تقوا در کل زمین فراگیر می شود.

آیه ۱۰۵ انبیاء

اولین آیه ای که در این بخش می خواهیم بررسی بکنیم آیه ۱۰۵ سوره انبیاء است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

ما نوشتیم، یعنی ما قطعی کردیم، قضا قطعی بر این تعلق گرفت و این قضای قطعی خود را در زبور [بیان] کردیم، بعد از "ذکر" ما در زبور این را آوردیم و این را نوشتیم.

مراد از "ذکر" به عقیده مفسران (که عقیده خوبی است) تورات است. پس مراد آیه این می شود: ما در زبوری که بعد از تورات بود، این حکم قطعی و این اراده قطعی خود را نوشتیم.

حال چرا خداوند متعالی می فرماید ما در زبور این مطلب را نوشتیم؟ چرا نمی گوید ما در کتاب حضرت نوح یا صحف حضرت ابراهیم نوشتیم؟ زبور کتاب داود علیه السلام است. رازش در این نهفته است که در میان کتب آسمانی کتاب زبور حضرت داود، مشتمل بر امور غیبی بوده است، مشتمل بر پیشگویی بوده است. گویا حوادثی که تا روز قیامت می خواهد اتفاق بیافتد در زبور نوشته شده بود. به همین خاطر خداوند متعال می فرماید ما در زبور قطعی کردیم و نوشتیم که زمین را صالحان وارث خواهند شد.

مراد از وراثت انتقال چیزی است بدون آن که کسب کاری شده باشد. گاهی شما یک ملکی را در اثر خریدن یا هبه کسی بدست می آورید، گاهی ملکی به وراثت به شما منتقل می شود، بدون این که خرید و فروش یا هبه ایی در کار باشد.

در آیه آمده است: «أَنَّ الْأَرْضَ» به لحاظ قاعده اطلاق که در تفسیر داریم، واژه «ارض» در این آیه مطلق است، یعنی کل زمین. ما در زبور نوشتیم که بندگان صالح ما وارث کل زمین خواهند شد، یعنی مراد از «ارض» یک بخشی از زمین یا یک ناحیه ایی از کره زمین نیست؛ چون همواره در طول تاریخ بوده اند مؤمنانی که در بخشی از کره زمین اجتماع داشتند و حتی حکومت تشکیل داده اند. پس مراد از «ارض» در این آیه کل زمین هست. ما در زبور داود پیشگویی کردیم و به طور قطعی نوشتیم که وارث کل زمین صالحان خواهد بود.

نکته ایی که در این جا هست این است که فرمود بندگان صالح من وارث این زمین هستند، مراد از وراثت بر کل زمین، یعنی سیطره بر کل زمین، سلطه بر منافع و نعمت های کل زمین.

پیام این آیه است که اراده قطعی خداوند تعلق گرفته است که یک روزی، فساد، شرک، کفر و نفاق از روی زمین برداشته شود. اگر کفر، فسق، شرک و فساد از روی زمین برداشته می شود، بنابراین کافران، فاسقان، منافقان، مشرکین و مفسدین هم از روی زمین برداشته می شوند و حاکم زمین صالحان خواهند بود.

موقعی که مصلحان و صالحان حکم بر روی زمین شدند، آن موقع دیگر آثاری از فساد بر روی زمین نیست. نه فساد کلان انسانی هست و نه فسادهای تکوینی هست. اگر مصلحان و متقین بر روی زمین حاکم شدند، قرآن کریم می فرماید خیر و برکت بر روی زمین می آید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱ می‌فرماید اهل زمین، اهل قریه‌ها، اگر اهل ایمان و تقوا شدند، که عبارت اخری همان صالحین است، اگر اهل قریه‌ها صالح شدند، با تقوا یا مؤمن شدند، ما برکات آسمان‌ها و زمین را بر آنها نازل خواهیم کرد.^۲

پس اگر متقین و صاحبین حاکم بر روی زمین شدند، آسمان‌ها و زمین به‌جای آن که ضرر و زیان و مصیبت و آسیب برای انسان‌ها داشته باشند، برکات خواهند داشت.

یا در آیه ۴۱ سوره روم می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ چون الآن مفسدان و فاسقان بر روی زمین هستند، و فسق، فجور و کفر جریان و سیطره بر زمین دارد، این باعث شده است که زمین و دریا دچار فساد شوند.

مراد از فساد در دریا و فساد در زمین، همین حوادث تکوینی ناگوار است. این حوادث تکوینی ناگوار است که زمین و آسمان و دریاها عروض پیدا می‌کند و بر انسان‌ها وارد می‌شود و انسان‌ها را دچار آفت و آسیب و مرگ و بیماری‌های لاعلاج می‌کند، این‌ها «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» است، به خاطر این است که صلاح بر روی زمین نیست، فساد هست. اگر این فساد برداشته شد، صلاح آمد، دیگر در آسمان‌ها و زمین و دریاها شما فساد و ناسازگاری و مصائب نمی‌بینید. زمین و آسمان گویا رام می‌شود، دریاها رام انسان‌ها می‌شود.

این آیه محور بحث ما (۱۰۵ انبیاء) روایاتی در ذیل این آیه داریم که این آیه هنوز مصداق پیدا نکرده است. مصداق حقیقی و کامل این آیه در عصر ظهور است. ما روایاتی از ائمه علیهم السلام داریم که این آیه ۱۰۵ سوره انبیاء در عصر ظهور مصداق و تحقق پیدا می‌کند. یعنی در عصر ظهور صالحان وارث کل زمین خواهند شد. شاید قبل از ظهور حضرت در مقاطعی از تاریخ مومنانی، صالحانی بر بخشی از کره زمین، بر جامعه‌ایی بر کشوری حکومت بکنند و یک حکومت صالحانه داشته باشند، اما این که کل زمین بخواهد در سیطره صالحان

^۱ اعراف: ۹۶.

^۲ ما این آیه را مجدداً مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قرار بگیرد، بر اساس روایات در عصر ظهور محقق خواهد شد. روایات متعددی هم داریم که فرموده اند مصداق این آیه در عصر ظهور است.^۳

آیات ۱۲۸ تا ۱۳۲ طه

«أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى»

به این قرآن ستیزان، به این مشرکان بگو آیا ما برای شما آشکار نکردیم، بیان نکردیم که پیش از شما اقوام و ملت‌هایی بودند که در برابر دین حق و انبیاء ایستادگی کردند و در شهر و دیارشان زندگی می‌کردند که به ناگاه هلاکت ما و عذاب ما بر آن‌ها وارد شد و نابودشان کردیم. آیا این‌ها نمی‌فهمند که پیش از این‌ها، امت‌های سرکشی بودند ولی ما همه را نابود کردیم، اگر دارای عقل هستند عبرت بگیرند.

«النُّهَى» یعنی عقل، «لِّأُولِي النُّهَى» یعنی صاحبان عقل. این آیات ما، این یادآوری‌های ما برای کسانی که صاحب عقل هستند. یعنی ای پیامبر قرآن ستیزان و امت تو باید از امت‌های گذشته عبرت بگیرند، ببینند آن‌هایی که در برابر حق یا پیامبران گذشته سرکشی کردند، مثل فرعون یا نمرود آیا آن‌ها ماندگار شدند یا دچار هلاکت شدند؟ اگر دچار هلاکت شدند بدانید که شما هم دچار هلاکت می‌شوید.

در آیه بعد گویا به یک ابهام و شبهه پاسخ می‌دهد. ممکن است این سؤال برای مسلمین پیش بیاید، یا همین الآن برای ما پیش بیاید؛ -چون این آیه اختصاص به مشرکین عصر نزول که ندارد، آیات قرآن اختصاص به یک زمان و مکان خاصی ندارد، در هر عصری، هر یک از شش هزار و چند صد آیه قرآن، مخاطب و مصداق خودش را دارد. - ممکن است الآن این شک و شبهه ایجاد شود که اگر اینگونه است، اگر هر کسی در برابر

^۳ برای نمونه: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ قَالَ الْقَائِمُ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَأَصْحَابَهُ؛ منظور از "أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ" امام قائم و یارانش می‌باشند.» (بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۲۳ / تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷)

«نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛ این آیه درباره حضرت قائم و یاران او نازل شده است.» (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۳)
«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ (عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ) فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ امام باقر علیه السلام: منظور از عبارت: "أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ"، یاران مهدی در آخر الزمان می‌باشند.» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۹، ص ۵۵۴ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۲۷)

اسلام و قرآن ستیز کند و عناد بورزد، [هلاک می‌شود]؛ چرا پس این‌ها از بین نمی‌روند، چرا این اسلام‌ستیزان، این ظالمان، این مستکبران هم چنان برپا هستند و از بین نمی‌روند. آیه ۱۲۹ این را جواب می‌دهد:

«وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى»

این آیه به لحاظ معنایی باید این گونه می‌بود مثلاً: "و لولا کلمهٔ سبقت من ربک و اجل مسمی لکان لزاماً؛ یعنی این «أَجَلٌ مُّسَمًّى» عطف است بر «کَلِمَةٌ».

این آیه می‌فرماید دو دلیل باعث شده است که ما در یک زمان خاصی این اراده‌مان را محقق نکنیم. در یک زمان خاصی این معاندان و مستکبران را از روی زمین برچینیم:

۱- ما یک حکمی در گذشته کردیم (وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ) که آن حکم مانع از این است که ما در عذاب اسلام‌ستیزان تعجیل نکنیم. آن حکم ما مهلت دادن به اقوام است، مهلت دادن به انسان‌هاست، که یکی از آیاتش را در جلسهٔ قبل خواندیم^۴ که اراده و سنت خداوند هست که به همهٔ انسان‌ها و ملت‌ها فرصت بدهد، این گردش تمدن‌ها و قدرت‌های خودش صورت بگیرد تا یک زمان خاص خود. می‌گوید ما حکمی در گذشته کرده‌ایم که در عقاب و برچیردن دشمنان قرآن و اسلام عجله نکنیم. به‌شان قدرت، فرصت، مهلت و امکانات بدهیم حتی در مسلط شدن بر دنیا، و منافع آن.

۲- «أَجَلٌ مُّسَمًّى»؛ ما برای هر حکم‌مان یک اجل مسمایی داریم، یک اجل مقدر و معینی داریم، اجل معین این‌ها فرا نرسیده است، هر وقت اجل معین این‌ها فرا برسد، اسلام‌ستیزان برچیده می‌شوند و قرآن و اسلام در عصر ظهور در عالم سیطره پیدا می‌کنند.

در واقع این آیه نوعی تسلیت خاطر به مؤمنان می‌دهد که اگر می‌بینید که آن‌ها قدرت پیدا می‌کنند و سلطه دارند و از بین نمی‌روند، در آیات قرآن تردید و شک نکنید، در وعده‌های خداوند متعال شک نکنید، به خاطر این‌که هر چند ما حکم قطعی کردیم که بساط کفر و فسق از روی زمین برچیده شود، اما این حکم ما دارای یک اجل و زمان معینی است، آن زمان که فرا برسد به طور قطعی آن [وعدهٔ ما] محقق می‌شود.

^۴ آیه ۱۴۰ سوره آل عمران: تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا

در آیه بعد باز مؤمنان را راهنمایی می‌کند. خطاب آیه به پیامبر اکرم است؛ اما خطاب مختص به پیامبر اکرم نیست، در واقع مخاطب حقیقی همه امت تا روز قیامت هستند:

«فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ»

ای پیامبر تو و آن‌هایی که به تو و قرآن ایمان حقیقی دارند، صبر بکنید بر این تهمت‌ها، طعنه‌ها و استهزاهایی که کافران و مستکبران نسبت به شما دارند. پروردگارت را به همراه حمد، قبل از طلوع خورشید، و قبل از غروب خورشید و در دل شب تسبیح کن. باز می‌گوید تسبیح کن در ابتدا و پایان روز تا به رضایت برسی.

مراد از صبر در این آیه بی‌کار نشستن نیست، صرف تحمل سختی‌ها نیست. یعنی در عین حال آن‌که در مسیر تحقق وظائفی که نسبت به قرآن و اسلام و وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارید، تلاش می‌کنید، در حالی که جهاد می‌کنید و کوشش فراوان می‌کنید، صبر را ضمیمه جهادتان بکنید و عبادت و تسبیح خداوند را هم ضمیمه جهاد و کوشش‌تان بکنید.

تسبیح کردن یعنی خداوند متعال را از نقایص دور دانستن، پیراسته دانستن، منزّه دانستن. "سبحان الله" یعنی خداوند متعال از هر نقیصه‌ای دور است، از هر ضعفی دور است، از هر عیبی دور و منزّه و پاک است.

حال چرا فرمود تسبیح کنید، و آن را هم تکرار کرد؟ چرا فرمود نماز بخوانید، نگفت ذکر بگویید، فرمود تسبیح بگویید و خدا را منزّه بدانید؟

این مربوط به همان وعده‌ایی است که خداوند متعال داده است، می‌گوید ممکن است شماها در وعده خدا تردید بکنید، العیاذ بالله این توهم در ذهن شما ایجاد شود که خداوند به این وعده‌اش عمل نمی‌کند، به این وعده‌ایی که گفته است زمین را من ارث صالحان قرار می‌دهم، عدالت و اسلام و ایمان را فراگیر در روی زمین می‌کنم، بساط کفر و کافران را بر می‌دارم، ممکن است به خاطر طولانی شدن آن اجل مسمایی که در آیه قبل آمد، شما نسبت به خداوند متعال دچار تردید بشوید و شک بکنید که نکند خداوند متعال خلف وعده کرد، نکند العیاذ بالله قرآن یا پیامبر اکرم دروغ گفته باشد، یا خداوند این کار را انجام ندهد. می‌گوید «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ» خدا را منزّه و پیراسته بدان از این که به این وعده‌ایی که داده است عمل نکند.

این جا مراد از تسبیح صرف تسبیح زبانی نیست که سبحان الله گفته شود، یعنی نگذارید ناامیدی در دلتان نسبت به وعده حق الهی ایجاد شود. نگذارید تردید ایجاد بشود، یأس ایجاد بشود همچنان که در روایات داریم آن قدر وعده خداوند متعال طولانی می شود که گروهی از مؤمنین در وعده خدا شک می کنند، در این که امام زمانی وجود دارد، شک می کنند، در این که امام زهانی ظهور پیدا می کند، شک می کنند، بلکه انکار می کنند. قرآن می فرماید «فَسَبِّحْ» یعنی این فکرهای باطل را، این ناامیدی را، این یأس را نسبت به وعده قطعی خداوند متعال از دلتان بیرون بکنید.

آیه بعد باز یک آفت و انحراف دیگر را گوشزد می کند. می گوید مواظب باشید دچار این لغزش هم نشوید:

«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»

«تَمُدَّنَّ» از ریشه مدّ به معنای کشیدن است ولی اینجا به معنای زل زدن و چشم دوختن که نشانهٔ اعجاب و دل بستگی است. پس مراد آیه این است که دل بسته نشو، تعجب نکن، شگفت زده نشو از این که ما «زَهْرَةَ الدُّنْيَا» که همان نعمت های خدا، تجملات و زیورآلات دنیوی است را به اصنافی از کافران دادیم. از این که به آن ها نعمت ها و تجملات دنیوی فراوانی به آنها دادیم، تو شگفت زده و اعجاب زده نشو، چشم ندوز، دل بسته نشو، احساس حقارت به شما دست ندهد. عرض شد مخاطب ظاهرا پیامبر اکرم است اما مخاطب اصلی امت پیامبر اکرم است.

ممکن است این تردید، این شبهه، این لغزش در دل مؤمنین ایجاد شود که اگر کافران مورد بغض و خشم الهی هستند و از رحمت الهی به دور هستند و اراده خداوند این است که آن ها را از روی زمین برچیند و نابود بکند و مؤمنان بر روی زمین حاکم بشوند و دین اسلام و ایمان گسترش یابد و فراگی شود، اگر این گونه است؛ چرا این کافران، این همه تمتعات دنیوی دارند، تجملات دنیوی دارند. چرا خداوند این تمتعات را از این ها نمی گیرد؟

این آیه درصدد پاسخ به این ابهام و شبهه است. می گوید شما نگران نشوید، دل بسته نشوید، اعجاب زده نشوید، شگفت زده نشوید از این تمتعات و رفاهی که ما به این ها دادیم. این نعمت ها به عنوان رحمت به کافران داده نشده، بلکه داده شده تا «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ». فتنه به معنای آزمایش کردن است. یعنی اگر این نعمت ها به آنها داده شده از این باب نیست که رحمت الهی به آن رسیده باشد، یا خداوند اراده کرده باشد خیر به آن ها برسد، بلکه این

نعمت‌ها بخشی از آزمایش ما است. بخشی از برنامه ما این است که این‌ها دارای این نعمت‌ها و تجملات باشند تا آزمایش و آن برنامه‌ایی که ما داریم محقق شود. «وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ» رزقی که ما برای شما صالحان و مؤمنان در نظر گرفتیم، بهتر از این‌ها هست.

در واقع پیام نهایی این آیه این است که با مشاهده این رفاه و تجملات و تنعمات این اصناف کافران، احساس کمبود و حقارت نکنید، یعنی احساس نکنید که آن‌ها سعادت‌مند هستند و مورد رحمت و خیر و نظر پروردگار عالم هستند؛ بلکه این نعمت‌ها از باب فتنه است. از این باب هست که مهلتی داده شود تا آن برنامه الهی محقق شود.

در آیه آخر باز فرمان می‌دهد:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»

اهل پیامبر اکرم، در درجه اول در مکه،^۵ امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت خدیجه سلام الله علیها و شاید چند نفر از مؤمنان خالص بوده است؛ اما بعد آن اهل پیامبر گسترش پیدا می‌کند و همه مؤمنان حقیقی و همه شیعیان حقیقی اهل پیامبر اکرم می‌شوند. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» یعنی به امت، به امت مؤمنان، به شیعیان امیر المؤمنین امر کن که اهل نماز باشند و صبر کن بر آن، و بعد به آن‌ها یادآوری کن که «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» عاقبت برای تقوی است. مشابه ذیل این آیه در آیه ۱۲۸ اعراف آمده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

چرا در آیه مورد بحث ما فرمود: «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» نفرمود "عاقبت و العاقبه لكم"، "و العاقبه لمسلمین" یا "و العاقبه لامتك"؟

می‌خواهد بگوید اگر ما گفتیم امت تو را مالک و وارث زمین قرار می‌دهیم به شرط تقوا است. اگر اهل تقوا باشند این وعده الهی محقق می‌شود.

آیه ۵ و ۶ قصص

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۵)

^۵ اگر بخواهیم این آیه را با زمان نزولش در نظر بگیریم که در مکه بوده است؛ چون این آیه در مکه نازل شده است.

ما اراده کرده‌ایم «أَنْ نُّمَنَّ». «نَمْنٌ» از مَنْ هست، "من" همان معیار وزن و سنگینی است. اما در قرآن کریم که می‌فرماید ما منت نهادیم، به معنای نعمت سنگین و بزرگ است. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ» یعنی ما اراده کردیم، یک نعمت سنگینی، یک نعمت بسیار بزرگی به کسانی بدهیم که مستضعف در زمین هستیم.

آن نعمت سنگینی که می‌خواهیم به آن‌ها بدهیم، چیست؟ «وَنَجْعَلُهُمْ أُتْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» تا آن‌ها را امامان و وارثین روی زمین قرار بدهیم.

«وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمَ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (۶)

ما اراده کرده‌ایم آن‌ها را بر روی زمین تمکن بدهیم و می‌خواهیم به فرعون و هامان و لشکریان این دو نشان بدهیم آنچه را که از آن می‌ترسیدند.

مستحضر هستید وقتی این آیه دوم در کنار آیه قبل قرار می‌گیرد ظاهر آیه این است که این دو آیه اختصاص به قوم بنی اسرائیل و امت حضرت موسی علیه السلام دارد. در واقع خداوند متعال می‌فرماید که ما اراده کردیم که قوم حضرت موسی را که مستضعف بودند، آن‌ها را وارث سرزمین شامات و فلسطین قرار بدهیم و آن‌ها را تمکن بدهیم در آن‌ها و به فرعون و هامان و لشکرشان نشان بدهیم همه اقداماتی که کردند که این اراده ما محقق نشود، همه اقداماتشان بی‌اثر ماند. بلکه اقدامات آن‌ها در راستای اراده الهی بود.

فرعون از این وحشت داشت که فرزند پسری از بنی اسرائیل به دنیا بیاید، قدرت بگیرد و تاج و تخت او را از بین ببرد. -حال در خواب دیده بود، یا برای او پیشگویی کرده بودند [تفاوتی ندارد].- به همین خاطر هر نوزاد پسری که در بنی اسرائیل به دنیا می‌آمد، او را می‌کشت و دخترانشان را هم به اسارت می‌برد و فکر می‌کرد از این طریق می‌تواند مانع اراده خداوند متعال شود. خداوند متعال می‌فرماید ما به فرعون نشان دادیم، آن چیزی که از آن می‌ترسیدی و پرهیز داشتی و اقدامات فراوانی انجام دادی که محقق نشود، ما آن را محقق کردیم و به تو نشان دادیم.

اگر این دو آیه را با یکدیگر در نظر بگیریم، در واقع این آیات اختصاص به زمان حضرت موسی علیه السلام دارم و ارتباطی به بحث مهدویت و آیات مهدویت نخواهد داشت. اما ما روایاتی داریم از حضرات معصومین که در این روایات در واقع حضرات می‌فرمایند این آیه درباره ما اهل بیت هست.

ابتدا دو روایت را بخوانم و سپس در مورد خود آیات بحث کنیم که آیا اختصاص به زمان حضرت موسی علیه السلام دارد یا نه.

اولین روایت، روایتی از امام صادق علیه السلام است، امام می‌فرماید پیامبر بزرگوار اسلام نگاهی به امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام کردند. سپس گریه کردند و فرمودند شما بعد از من مستضعف خواهید شد.

مفضل می‌گوید من از امام صادق پرسیدم، مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه بود؟ این که فرمود شما بعد از من مستضعف می‌شوید، یعنی چی؟

امام صادق در جواب فرمود: یعنی شما بعد از من وارث زمین می‌شوید، مستضعف می‌شوید و چون خداوند متعال وعده داده است که مستضعفین را وارث زمین قرار دهد، یعنی شما هر چند مستضعف می‌شوید بعد از من اما بدانید شما امام خواهید شد و وارث زمین خواهید شد.

مفضل می‌گوید امام صادق در جواب من فرمود، یعنی بعد از من (پیامبر)، شما (اهل بیت) امام هستید، چون خداوند متعال فرموده است: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأَوَارِيثِينَ»^۶

یک بیانی علی علیه السلام دارند در نهج البلاغه امیر المؤمنین این آیه را می‌خوانند و بعد در شرح این آیه می‌فرمایند دنیا بعد از همه سرکشی‌هایی که در باره ما اهل بیت دارد، روزی در زیر بار ما خواهد رفت و به ما رو

^۶ عَنْ الْمُفَضَّلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) وَالْحَسَنِ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقَبَّكَى وَ قَالَ أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي قَالَ الْمُفَضَّلُ فَقُلْتُ لَهُ مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا أَبْنَ رَسُولَ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَعْنَاهُ أَنْكُمْ الْأُمَّةُ بَعْدِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِيثِينَ فَهَذِهِ الْآيَةُ جَارِيَةٌ فِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. [تفسير اهل بيت عليهم السلام ج ۱۱، ص ۱۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۸؛ معانی الأخبار، ص ۷۹؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۵۵۵]

خواهد کرد، همانند شتری که در آغاز بچه خود را شیر نمی‌دهد و لگد پرانی می‌کند ولی بعد از مدتی عطوفت و مهربانی پیدا می‌کند، و اقبال به فرزند خود می‌کند. بدانید اگر الآن دنیا به ما پشت کرده است، روزی دنیا به ما اقبال می‌کند، و ما حاکم بر روی زمین می‌شویم، یعنی ذریه پیامبر اکرم، یعنی وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هست که سلطه بر زمین پیدا می‌کند و سیطره بر زمین پیدا می‌کند.^۷

حال آیا این دو آیه که صرف نظر از روایات، ظاهرش اختصاص به بنی اسرائیل داشت، برای ما پیامی ندارد؟ حضرات معصومین یک بیانی در این جا دارند و مفسران ما نیز مثل مرحوم علامه طباطبائی رضوان الله تعالی علیه از این بیان استفاده کرده‌اند و آن یک مبنایی تفسیری در آیات شده است. حضرات معصومین می‌فرمایند هر آیه‌ای که در قرآن هست، پیامش برای ما و برای شیعیان ما است. هر وعده‌ای که خداوند متعال به امت‌های گذشته داده است، آن وعده را درباره شیعیان ما محقق می‌کند، هر وعید و تهدید و عذابی که به امت‌های گذشته و مستکبران و سرکشان امت‌های گذشته داده، همان وعده‌ها، همان تهدیدها، همان عذاب‌ها را در مورد مخالفان ما و دشمنان ما و دشمنان شیعیان ما محقق می‌کند، بنابراین درست است که این آیه ظاهرش وعده به بنی اسرائیل است، اما در اصل این آیه وعده به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان وجود مقدس حضرات معصومین علیهم السلام هست.

در خود این آیات سوره قصص هم قرائنی است که این مطلب را تأیید می‌کند. آیاتی که خوانده شد آیات ۵ و ۶ سوره قصص بود. اگر به آیات قبل از آن دقت شود، فهمیده می‌شود که این آیات در حقیقت به امت راستین پیامبر اکرم وعده می‌دهد:

«تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ»

ای پیامبر ما آیات کتاب مبین را بر تو می‌خوانیم و تو نیز بر امتت بخوان.

«تَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»

^۷ لَتَعَطْفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَكِدِهَا وَ تَلَّا عَقِيبَ ذَلِكَ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. [نهج البلاغه، ص ۵۰۶]

ای پیامبر ما در ادامه، در این سوره می‌خواهیم داستان حضرت موسی و فرعون را برای مؤمنان از امت تو بگوییم.

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا»

به امت بگو که فرعون در روی زمین سرکشی کرد و مردمان را طائفه طائفه کرد، طائفه‌ایی را مقرب خود قرار داد و طائفه‌ایی (بنی اسرائیل) را در مقابل قرار داد. اختلاف و تفرقه ایجاد کرد و ظلم و فساد کرد.

«يَسْتَضِعُّ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَذِبحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»^۸

بعد در ادامه به آیات مورد بحث ما می‌رسد:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ»؛ یعنی این مطلب را هم برای امت بخوان و این وعده را به امت بده که همچنان که در برابر موسی فرعون‌هایی بودند، هامن‌هایی بودند، سرکشی کردند، استکبار داشتند و ظلم می‌کردند، در امت تو هم بدان‌هایی که فرعون‌منش هستند، آن‌هایی که طاغی هستند، مستکبران از امت تو تا روز قیامت، به آن‌ها بگو که آن‌ها هم دچار سرنوشت فرعون خواهند شد و به پیروان راستینت بگو همچنان که ما پیروان راستین موسی را وعده دادیم که وارث زمین و امام بر روی زمین شوند، بدان که به امت راستین تو نیز این وعده را می‌دهیم.

در واقع این سه آیه قبل زمینه‌سازی برای امت می‌کند که بدانید اگر فرعون امت شوید، آن سرنوشت را خواهید داشت. اگر از پیروان حقیقی پیامبر اکرم و از مؤمنان راستین شوید، چنین سرنوشت خوبی در پایان خواهید داشت.

آیات دیگری در این زمینه هست که به همین تعداد از آیات بسنده می‌کنیم.

ما تاکنون دو فصل را پشت سر گذاشته‌ایم، فصل اول به عنوان مقدمه ورودی کردیم که اصولاً مبحث مهدویت یا منجی موعود، نجات زمین، پایان خوش تاریخ انسان، یک امر اختصاصی شیعیان است یا در همه ادیان و مکاتب بشری به نوعی اعتقاد به منجی موعود وجود دارد، که این مطلب را در جلسه او بحث کردیم.

^۸ قصص: ۲ تا ۴.

فصل و بخش دوم بحث ما این بود که قرآن کریم پایان تاریخ و نظام انسانی را چگونه پیشگویی کرده است. در آن نظام و برنامه ربوبی که قرآن متکفل بیان آن هست، پایان تاریخ چگونه خواهد بود، که آیاتی را در جلسات گذشته بحث کردیم که سه دسته آیات بود که دسته سوم را هم امروز بررسی کردیم.

فصل و بخش سوم بحث ما، ویژگی‌های عصر مهدوی هست، از نظر قرآن کریم. در این بخش سوم یا فصل سوم، می‌خواهیم آیاتی را بررسی بکنیم و در کنار روایات تفسیری که بیانگر ویژگی‌های خاص عصر ظهور هست، و مراد از ما از عصر ظهور، در واقع آغاز و انتها است، چون ظهور یک فرایند زمانی و مقطع زمانی طولانی دارد، ما می‌خواهیم ببینیم که در آن عصر چه ویژگی‌هایی هست.

بخشی از این ویژگی‌ها، ویژگی‌های تکوینی است، مربوط می‌شود به آیات خارق العاده الهی، معجزات خاصی که در عصر مهدوی رخ می‌دهد و آیات قرآن هم اشاره دارد، و روایات هم. برخی از آن ویژگی‌ها برگشت به نظام انسانی (خلق و خو، ایمان و رفتار انسان در عصر ظهور) دارد و در کنار آن این مطلب که آیا شیطان در عصر ظهور وجود دارد یا ندارد، کشته خواهد شد یا نه؟

ویژگی سومی که باید بررسی شود، ویژگی جهان طبیعت به لحاظ رفاه و نعمت و آسایش هست. باید دیده شود که در قرآن کریم در این زمینه چه آیاتی وجود دارد.

پس در بخش یا فصل سوم، ویژگی‌های عصر مهدوی را ان شاء الله مورد بررسی قرار می‌دهیم و این فصل را در سه مرحله بیان خواهیم کرد:

۱- حوادث خارق العاده دوران ظهور

۲- ویژگی‌های ایمانی و اخلاقی انسان‌ها در عصر ظهور

۳- ویژگی‌های جهان طبیعت در عصر ظهور

بعد از این بخش سوم ان شاء الله باید وارد فصل و بخش چهارم شویم.